



Ministry of Education
Islamic Republic of IRAN

ISSN:
1235-1735

Quarterly Journal of

Educational Innovations



Organization for Educational
Research and Planning

Abstract

Identification of undesirable characteristics in the teaching profession based on analyzing the lived experiences of novice teachers from their student days: A phenomenological study

■ Fāteme Ramezāni (PhD), University of Lorestān, Khorramābād , Iran¹

The purpose of the current research was to identify the negative characteristics in the teaching profession, based on the analysis of the lived experiences of novice teachers of their teachers' undesirable characteristics and features during their education. It was a phenomenological study. The research population was the novice teachers of Khorramābād city, among whom 21 teachers were selected as the sample, based on the purposeful sampling method. Also, semi-structured interview was used as the research instrument to collect data, and Colaizzi's method was used to analyze the data. After analyzing and adjusting the results, the components related to the undesirable characteristics of teachers have been pointed out in the form of 3 main themes and 42 sub-themes; The main themes were: personality and moral weaknesses, educational and skill weaknesses, and neglecting the educational customs. Based on the results of the present research, it is suggested that the characteristics identified in this research should be taken into consideration by the educational authorities in the selection, evaluation and in-service courses. In this way, teachers who have personality and moral weaknesses do not enter the teaching profession, and those who are teachers, always seek growth and self-improvement. Also, they are asked to pay attention to their skill development and educational customs in all situations.

Keywords

Lived Experience, Novice Teachers, Undesirable Characteristics, Teacher

E-mail: 1. ramezani.f@lu.ac.ir

Serial No.88. 22(3): Winter. 2023

Quarterly Journal of Educational Innovations



Published by Tehran University of Medical Sciences

Copyright © The Authors.

This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شناسایی ویژگی‌های نامطلوب در حرفه معلمی بر اساس واکاوی تجارب زیسته دوران دانش‌آموزی نومعلمان (مطالعه‌ای به روش پدیدارشناختی)

■ فاطمه رضانی*

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف شناسایی ویژگی‌های نامطلوب در حرفه معلمی، بر اساس واکاوی تجربه زیسته نومعلمان از ویژگی‌ها و خصوصیات نامطلوب معلمانشان در دوران تحصیل، انجام شده است. روش پژوهش پدیدارشناختی است. جامعه آماری نیز معلمان تازه‌کار شهر خرم‌آبادند که از میان ایشان، بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند، ۲۱ نفر برگزیده شده‌اند. همچنین برای گردآوری اطلاعات از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و برای تحلیل یافته‌ها از روش کلایزی استفاده شده است. پس از تحلیل و تنظیم نتایج، مؤلفه‌های مربوط به خصوصیات و ویژگی‌های نامطلوب معلمان در قالب ۳ مضمون اصلی و ۴۲ مضمون فرعی به دست داده شده است، که مضامین اصلی عبارت‌اند از: ضعف‌های شخصیتی و اخلاقی، ضعف‌های آموزشی و مهارتی، بی‌توجهی به آداب تربیتی. پیشنهاد می‌شود در گزینش و ارزشیابی و دوره‌های ضمن خدمت، ویژگی‌هایی که در این پژوهش حاصل و جمیع شده پیش روی مسئولان باشد تا از یک‌سو از حضور افرادی که دچار ضعف‌های شخصیتی و اخلاقی هستند در کسوت معلمی پیشگیری کنند و از سوی دیگر ضمن نظارت بر رفتار و عملکرد شاغلان و معلمان حاضر، ایشان را به خودسازی و اصلاح خویش برانگیزانند و در همه حال، رشد مهارتی و توجه به آداب تربیتی را از ایشان مطالبه کنند.

کلید واژه‌ها:

تجربه زیسته، نومعلمان، ویژگی‌های نامطلوب، معلم

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۹

تاریخ شروع بررسی: ۱۴۰۲/۲/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۳/۲۸

* (نویسنده مسئول) استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. E-mail: ramezani.f@lu.ac.ir

مقدمه

در نظام‌های آموزشی، افراد بسیاری مشغول به کارند که فعالیت‌هایشان مستقیم یا غیرمستقیم در آموزش و تربیت دانش‌آموزان مؤثر است. اما در این میان نقش معلمان از دیگر افراد برجسته‌تر می‌نماید؛ چراکه دانش‌آموزان بیشتر اوقات خود را در مدرسه زیر نظر آن‌ها سپری می‌کنند و عوامل دیگر هم فراهم آورنده زمینه برای فعالیت معلم‌ها هستند (داوودی، ۱۳۹۵، ص. ۳). معلمان اساس و قوام و روح هر نظام آموزشی‌اند (یحیایی و همکاران، ۱۴۰۱) که کارایی و کفایتشان آئینه تمام‌نمای کفایت و کارایی هر نظام آموزشی است (رضایی، ۱۳۹۳). برای این اساس است که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ایشان «هدایت‌کننده و اسوه‌های امین و بصیر در فرایند تعلیم و تربیت، و نیز مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی» معرفی می‌شوند که «مسئولیت سنگین کمک به هدایت دیگران و زمینه‌سازی برای رشد و تحول وجودی افراد را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت مداوم جامعه صالح بر عهده دارند» (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). با توجه به این جایگاه و مسئولیت معلمان، گفتنی است چنانچه این عناصر مهم و الهام‌بخش کارآمد و آراسته به ویژگی‌هایی نیک و مقبول باشند، سبب تحولات مثبت تربیتی و عاطفی در شاگردان می‌شوند؛ از جمله این تأثیرات و تحولات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: بهبود عملکرد و خودکارآمدی (سعادت و همکاران، ۱۴۰۱)، افزایش خلاقیت (رحمانی زاهد و همکاران، ۱۳۹۷)، کاهش بدرفتاری و قلدری (کریمی و فتحی آذر، ۱۳۸۵)، برخورداری از هیجانات مثبت (ستون و ویتلی، ۲۰۰۳)، آراستگی به اخلاقیات مثبت و اعتقادات مذهبی (موسوی‌نیا و حیدری، ۱۳۹۱)، رفتار بهتر در مدرسه و حضور بیشتر در کلاس (روزنفلد^۲ و همکاران، ۲۰۰۰)، افزایش مشارکت در یادگیری (هیوز^۳ و همکاران، ۲۰۰۸) و پیشرفت و مسئولیت‌پذیری (لیو و کانرینوس^۴، ۲۰۲۰؛ کاراکاس^۵ و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین معلمی با ویژگی‌های پسندیده تسهیلگر عملکرد دانش‌آموز است و به کاهش مشکلات روان‌شناختی او کمک می‌کند (عبدی زرین و علیاری، ۱۳۹۹). رفتارهای خوب معلم تأثیر بسزایی در عواطف دانش‌آموزان، به‌ویژه در شادکام‌بودن یا نبودنشان دارد (سیستانی و همکاران، ۱۳۹۹). دانش‌آموزانی که احساس می‌کنند معلمشان در مدرسه حمایتشان می‌کند، اعتماد به نفس و انگیزه یادگیری بیشتری دارند (آلن^۶ و همکاران، ۲۰۱۸). افزون‌بر این، رابطه خوب معلم با شاگرد پایه‌ای برای روابط اجتماعی مطلوب دانش‌آموز است (ریلی^۷، ۲۰۰۹). اما چنانچه ویژگی‌های نامطلوب به شخصیت بانفوذ معلم راه یابد، واکنش‌ها و تأثیرات منفی شاگردان را در پی خواهد داشت که در این باره به‌منزله مشتی از خروار می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

بدرفتاری معلم در علاقه دانش‌آموزان به معلم و کلاس، و همچنین در مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های درسی تأثیر منفی می‌گذارد (بروکلن‌پست^۸ و همکاران، ۲۰۱۶). در این میان، توهین معلم بیشترین تأثیر منفی را دارد و دانش‌آموزان را از معلم دور و متنفر می‌سازد (بانفیلد^۹ و همکاران، ۲۰۰۶). دانش‌آموزانی که معلم پر خاشگری دارند معلمشان را دوست ندارند و به یادگیری درس نیز علاقه‌مند نیستند

(قلی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱). در واقع «اگر دانش‌آموزان معلم خود را مثبت ارزیابی نکنند، از برقراری ارتباط با معلم خود کناره‌گیری می‌کنند» (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۹). نتایج مطالعات دیگر نشان‌دهنده این است که رفتار و بازخورد نامناسب معلم می‌تواند با هیجانات منفی شاگردان، مثل احساس شرم و گناه، ارتباط مستقیمی داشته باشد (پکرون^۱ و همکاران، ۲۰۱۴) و ارتباط نامناسب معلم و دانش‌آموزان ممکن است به استرس در دانش‌آموزان منجر شود (قدم‌پور و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین بدرفتاری معلم باعث می‌شود دانش‌آموزان در شایستگی علمی و حسن‌نیت و اعتمادپذیری معلم تشکیک کنند و به‌همین ترتیب از اعتبار معلم در نزد شاگردان کاسته شود (عبدی زرین و علیاری، ۱۳۹۹). گفتنی است که «ضعف‌های اخلاقی و رفتاری و ناشایستگی‌های معلمان خلیقیات و احساسات بد و رفتارهای نابهنجار را در شاگردان افزایش خواهد داد» (فقیهی، ۱۳۹۴، ص ۳۶۵).

از آنچه گذشت این نتیجه حاصل می‌شود که رفتار معلم بر اندیشه و رفتار و احساسات دانش‌آموزان اثرگذار است و در این میان فرقی بین خوب و بد آن نیست. آن‌گونه نیست که وجود شاگردان فقط متأثر از معلمان خوب و ویژگی‌های مثبت ایشان باشد، بلکه شخصیت و ویژگی‌های نامطلوب معلم نیز در متعلمان تأثیرگذار است و چنین تأثیری پایا و مانا و مبتنی بر این حقیقت است که اگر «الگوها ضعیف و دروغین و یا دچار انحراف باشند، نقش تخریبی انکارناپذیری در ساختار روانی و شکل‌گیری شخصیت افراد خواهند داشت» (باقرپور، ۱۳۹۷). بنابراین اگر معلمی آگاه به جایگاه خطیر خود و آراسته به فضایل لازم برای تربیت شاگرد و مدیریت کلاس باشد، قطعاً بازده و نتیجه عملکردش خوب، و در فرایند تعلیم و تربیت عنصری مطلوب و مفید خواهد بود. اما نتیجه کار معلمی که ویژگی‌های منفی بر وجود و شخصیتش غلبه یافته، فارغ از اینکه آموزشش به بار می‌نشیند یا نه، ایجاد آسیب روحی و جسمی در شاگردان است. دسته اول الگوهای خوبی هستند که اغلب در ذهن شاگردان می‌مانند و سال‌ها بعد از ایشان به نیکی یاد می‌شود و حتی برخی از ایشان دست‌گیر شاگردان در برهه‌هایی حساس می‌شوند و متعلمانشان را به اوج موفقیت و رشد می‌رسانند. دسته دوم به علت خصوصیات نامقبولی که دارند یا مسیر رشد شاگردان را به انحراف می‌کشاند یا رفتار و عملکردشان به شکل خاطره‌ای ناخوشایند و حتی سرگذشتی دردناک سال‌ها در ذهن و جان دانش‌آموزان باقی می‌ماند.

در پژوهش حاضر، اختصاصاً پرداختن به ویژگی‌های نامطلوب معلمان مطمح نظر است، که ضرورت آن را با این قول سعدی علیه‌الرحمه که می‌فرماید «ادب از که آموختی؟ از بی‌ادبان» (سعدی، ۱۳۹۴، ص ۸۱) می‌توان متذکر شد. در واقع سعدی اشاره‌ای ظریف بر این نکته دارد که تمام افراد، از جمله معلمان، در مسیر رشد و تعالی باید نظری بر الگوها و ویژگی‌های نامطلوب نیز داشته باشند و بکوشند از رفتار و کردار بد دوری جویند و خویشتن را پیراسته سازند. در همین راستا می‌توان چنین نیز استدلال کرد که در کنار امر به معروف، نهی از منکر نیز هست. غالب تحقیقات و آنچه تا به امروز نگارش یافته همواره معلمان و

علاقه‌مندان این حرفه را به معروف‌ها و خوبی‌ها فراخوانده است؛ در حالی که منکرهایی نیز وجود دارند که به اندازه کافی بدان‌ها توجه و از آن‌ها نهی نشده است. با نظر به حقایق مذکور، در پژوهش‌های موجود که از نظر موضوعی نزدیک به پژوهش حاضر بودند تدقیق شد که در نهایت پژوهش‌های داخلی و خارجی زیر حاصل آمد و جمع شد:

عبدی زرین و علیاری (۱۳۹۹) در پژوهشی که برای بررسی تأثیر صمیمیت و بدرفتاری معلم در اعتبار معلم انجام دادند به این نتیجه رسیدند که تأثیر صمیمیت و بدرفتاری معلم در اعتبار او معنادار و در ارزیابی دانش‌آموزان از شایستگی علمی و حسن‌نیت و اعتمادپذیری او تأثیرگذار است. از جدیدترین پژوهش‌های خارجی مرتبط با موضوع نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد: ثویت و مک کراسکی^{۱۱} (۱۹۹۸) در پژوهشی با نام «تأثیر بدرفتاری بر اعتبار معلم» به این نتیجه رسیدند که بدرفتاری معلم بر ادراک دانش‌آموزان از اعتبار معلمانشان در ابعاد شایستگی، اعتماد و مراقبت بسیار تأثیرگذار است و بدرفتاری معلم بسیار اعتبار درک‌شده را کاهش می‌دهد. ایشان نمونه‌ای از رفتارهای منفی و توهین‌آمیز معلمان را فریادکشیدن، تحقیر کردن، تنبیه دانش‌آموزان و برخورد متکبرانانه دانسته و عنوان کرده‌اند که چنین رفتارهایی می‌تواند تا حد آزاروآذیت و حتی تعصب پیش رود. در تحقیق بانفیلد و همکاران (۲۰۰۶) با نام «تأثیر سوء رفتارهای معلم بر اعتبار و جایگاه معلم» نیز این نتیجه حاصل آمده که هر نوع رفتار نادرست معلم تأثیر بسیاری در عاطفه و علاقه دانش‌آموز به معلم دارد و مشخص شده که توهین معلم بیشترین اثر را می‌گذارد و دانش‌آموزان را از معلم دور می‌کند. همچنین بیان شده که اعتبار معلم به‌گونه‌ای چشمگیر تحت تأثیر هر نوع رفتار نادرست قرار دارد و با رفتارهای منفی اعتبار او نزد شاگردان به شدت کاهش می‌یابد. سوپلیچ^{۱۲} (۲۰۰۹) در «چه چیزی یک معلم را بد می‌کند؟» به این نتیجه رسیده است که این معلمان در عناصر وابسته به شخصیت (ویژگی‌های شخصیتی، پذیرش عاطفی، شوخ‌طبعی) کمبود دارند و همین سبب می‌شود که دانش‌آموزان یک معلم را بد بدانند؛ البته انتقادهای مربوط به حوزه‌هایی که به‌راحتی دسترس پذیرند، مانند کاستی‌های آموزشی و آگاهی از موضوع نیز درخور توجه بودند، اما به‌وضوح کمتر از انتقادهای دربارهٔ نقص‌های وابسته به شخصیت معلم‌اند. روافیلدر^{۱۳} و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی که با هدف توصیف دانش‌آموزان از معلمان خوب و بد انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که برای دانش‌آموزان ابعاد بین فردی معلمان بر توانایی‌های آموزشی آنان در تعاملات روزمره کلاس اولویت دارد و معلم بد از نظرشان معلمی است که به این موضوع توجه نمی‌کند و صرفاً به دنبال مباحث آموزشی است. در مطالعهٔ بروکلمن پست و همکارانش (۲۰۱۶) با نام «بدرفتاری معلم و اثرات آن بر علاقه و مشارکت دانش‌آموزان» نشان داده شد که بدرفتاری معلم در علاقه و مشارکت دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد؛ به این معنی که رفتارهای نادرست معلم با علاقهٔ دانش‌آموز هم‌بستگی قوی و با مشارکت دانش‌آموز همبستگی ضعیفی دارد. پاول و پارکر^{۱۴} (۲۰۱۷) در پژوهش «نظر معلمان موسیقی دربارهٔ معلمان موفق و ناموفق» نتایج بررسی خود را به‌اختصار چنین بیان می‌کنند: «شرکت‌کنندگان معلمان

موفق را در جنبه‌های بین فردی و شخصی غنی، و ویژگی‌های معلمان ناموفق را عدم شناخت و دانش نسبت به شاگردانش و عدم مراقبت و حمایت از ایشان، روش‌های تدریس بدون انعطاف و استانداردهای متناقض دانستند.»

همان‌گونه که هويداست در تحقیقات فوق، ویژگی‌های منفی و نامطلوب معلمان یا به‌صورت رابطه‌ای دیده شده - به این معنی که تأثیر بدرفتاری معلم با اعتبار معلم و مشارکت و علاقه دانش‌آموزان و ... ارزیابی شده - یا از نگاه معلمان به ویژگی‌های معلمان موفق و ناموفق پرداخته شده است. در دو پژوهش خارجی نام‌برده، نظر دانش‌آموزان، و نه تجربه ایشان، درباره ویژگی‌های نامطلوب معلمان موضوع پژوهش و بحث بوده است، اما در پژوهش حاضر، تجربه افراد در این موضوع خاص بررسی و بازنمایی خواهد شد. برای بررسی تجارب افراد از ویژگی نامطلوب معلمان نیز نومعلمان محل رجوع‌اند تا خاطرات ناخوشایند خود از معلمان دوران تحصیلشان را بازبایی کنند و با پژوهشگر برای به‌ثمر رسیدن این پژوهش به اشتراک گذارند. هدف از این پژوهش، یافتن پاسخ این پرسش است: نومعلمان چه تجاربی از ویژگی‌های نامطلوب معلمان خود داشتند و کدام رفتارها و خصوصیات به ایجاد آسیب و خاطرات ناخوشایند در نومعلمان منجر شده بود؟

روش پژوهش

برای رسیدن به هدف پژوهش از روش کیفی از نوع پدیدارشناختی استفاده شده است. جامعه تحقیق در این پژوهش، معلمان تازه‌کار شهر خرم‌آباد بودند که ۲۱ نفر نمونه به‌صورت هدفمند (غیر تصادفی) از میان ایشان انتخاب شدند. در خصوص حجم نمونه نیز براساس اصل اشباع اقدام شد. ملاک ورود به پژوهش سابقه کاری کمتر از پنج سال، تمایل به مشارکت در پژوهش، و داشتن خاطرات بد و تلخ از معلمان در طول دوران تحصیل در مدرسه بود. مدت‌زمان مصاحبه‌ها از پانزده تا بیست دقیقه متغیر بود. جمع‌آوری مصاحبه‌ها هفده روز طول کشید. تجارب نومعلمان از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته ثبت شدند و برای رسیدن به مضامین اصلی و فرعی شماره‌گذاری و به روش کلایزی تحلیل شدند. از آنجا که اعتبارپذیری داده‌ها در این‌گونه تحقیقات براساس دو شیوه کنترل اعضا و خودبازبینی پژوهشگر است (عباس‌زاده، ۱۳۹۱)، در پژوهش حاضر پژوهشگر در چندین نوبت به بازبینی نتایج پرداخت و اصلاحات لازم را در آن اعمال کرد. برای محاسبه پایایی نیز از میان کل مصاحبه‌ها چهار نمونه به‌صورت تصادفی انتخاب و هر یک از آن‌ها دو بار در فاصله زمانی دهروزه شماره‌گذاری شدند. پس از این مرحله، براساس فرمول زیر، میزان توافق بررسی شد. با توجه به نتیجه به‌دست آمده، که بیش از شصت درصد است، گفتنی است که پایایی پژوهش مناسب است.

$$100\% \times \frac{\text{تعداد توافقات}}{\text{مجموع کل کدها}} = \text{درصد پایایی}$$

جدول ۱. نتایج بررسی پایایی در دو بازه زمانی

شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	پایایی آزمون (درصد)
۵	۱۱	۴	۷۲
۱	۸	۳	۷۵
۱۰	۷	۳	۸۵
۱۷	۳	۱	۶۶
کل	۲۹	۱۱	۷۵

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

۲	۲۲-۲۰	سن
۱۲	۲۵-۲۳	
۷	۲۸-۲۶	
۱۵	زن	جنسیت
۶	مرد	
۱۷	لیسانس	تحصیلات
۴	فوق لیسانس	

یافته‌های پژوهش

پس از تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از تجارب نومعلمین، در مجموع سه مضمون اصلی شناسایی شدند که هر یک از این سه مضمون، مضامین فرعی دیگری را نیز دربر گرفت. در ادامه به این مضامین پرداخته شده است.

۱. ضعف‌های شخصیتی و اخلاقی

اولین مضمون اصلی که احصا شد ضعف‌های شخصیتی و اخلاقی بود. این مضمون اصلی بالغ بر سیزده مضمون فرعی را دربر گرفت که هر یک اشاره‌ای به مشکلات اخلاقی و شخصیتی برخی از معلمین داشت. در ادامه این مضامین فرعی همراه با شماره‌هایی بیان شده‌اند.

بداخلاقی و تندخویی

شماره ۱۳: «معلم مطالعات اجتماعی ما به شدت بداخلاق و تندخو بود. به حدی که از سلام کردن به او ترس و اکراه داشتیم و همین باعث نفرت ما از معلم شده بود.»
شماره ۱: «در دوران ابتدایی دیکته‌ام ضعیف بود. معمولاً غلط‌های زیادی داشتم. یک بار مطمئن بودم که همه را درست نوشته‌ام. دفتر املایم را بالا بردم و گفتم آقا درست نوشتم! در برابر این اشتیاق و ذوق من، معلم با پشت دست به صورت من زد و گفت من نگفتم دفترها را بالا بیاورید! من تا به امروز آن صحنه را فراموش نکرده‌ام.»

شماره ۱۸: «به محض اینکه با سؤال و درخواست شما مواجه شدم، تصویر معلم کلاس دوم و سوم و پنجم جلوی چشمم آمد. من آن قدر از آن دوران و از آن معلم و درس‌دانش بیزار بودم که حتی الان یادآوری‌اش آزارم می‌دهد. رفتار خشنی داشت و به شدت و خیلی زیاد بچه‌ها را کتک می‌زد. به حدی این آقا خشن بود که من اصلاً سر کلاسش احساس راحتی نمی‌کردم و این بر درس خواندن من هم خیلی تأثیر گذاشته بود و فکر می‌کردم که همان طور که آن آقا می‌گفت، به اصطلاح عامیانه تنبلم. و هر سال که یک پایه بالاتر می‌رفتم آرزو می‌کردم که دیگر او را نبینم. اما متأسفانه سه سال از دوران ابتدایی را زیر دست این آقا شاگردی کردم.»

بی‌نظمی و وقت‌شناسی

شماره ۵: «معلمی داشتیم که معمولاً دیر به کلاس می‌آمد و از آن طرف زنگ تفریح ما را سر کلاس نگه می‌داشت تا تأخیر خود را جبران کند.»
شماره ۱۴: «دبیر ادبیات ما به جای یک ربع به هشت، ساعت هشت و نیم به کلاس می‌آمد. خیلی دیر به کلاس می‌آمد و خیلی زود می‌رفت. این رفتار معلم باعث بی‌نظمی در کلاس و مدرسه می‌شد و زمان زیادی را بچه‌ها به بطالت می‌گذراندند.»

ناآراستگی

شماره ۸: «یکی از چیزهایی که در دوران تحصیل برای من مهم بود وضعیت ظاهری و آراستگی معلم بود. به یاد دارم که در دوران دبیرستان معلم بی‌نظم و شلخته‌ای داشتیم که به ظاهر خودش اهمیت نمی‌داد. این معلم بچه شسیرخواری داشت که معمولاً آثار تغذیه بچه و آروغ او روی لباس معلم ما هویدا بود. این مسئله حال ما را بد می‌کرد و باعث تضعیف ارتباط ما با معلممان می‌شد.»

خمودگی و ناشادابی

شماره ۱۹: «حال روحی معلم‌ها خیلی روی ما اثر داشت؛ شادی آن‌ها ما را شاد و ناراحتی‌شان ما را غمگین می‌کرد. به یاد دارم که معلم مطالعات اجتماعی در دوره راهنمایی هر روز افسرده و ناراحت به کلاس می‌آمد. بعدها متوجه شدیم که از همسر و فرزندان جدا شده و به خاطر از هم‌پاشیدگی خانواده‌اش این‌گونه

در کلاس حاضر می‌شد و با خود غم و بی‌انگیزگی را به کلاس می‌آورد. یا معلم ابتدایی ما خانم ... که از ظاهرش غم و افسردگی می‌بارید.»

بی‌دقتی و نداشتن تمرکز

شماره ۲: «سال سوم دبیرستان، دبیر زیست‌شناسی ما به‌شدت در تمرکز و دقت دچار مشکل بود. به یاد دارم که خیلی وقت‌ها وسط درس‌دادن سررشته بحث را از دست می‌داد و همین فهم مطالب را برای ما دشوار می‌کرد. این معلم با کوچک‌ترین سروصدا نیز به‌شدت برافروخته می‌شد و به‌هم می‌ریخت و نمی‌توانست به تدریسش با کیفیت قبل ادامه بدهد.»

فراموش کاری و ضعف حافظه

شماره ۲: «معلم عربی ما در دوران راهنمایی بسیار فراموش‌کار و کم‌حافظه بود. مثلاً قرار امتحان می‌گذاشت و تا جلسه بعد فراموش می‌کرد. همین ویژگی او در برخی موارد سبب سوءاستفاده بچه‌ها در ارتباط با تاریخ امتحان و حتی بحث نمره و ... می‌شد.»

ضعف جسمانی

شماره ۱۱: «معلم کلاس پنجم ما معلم با اخلاق اما از نظر جسمی ضعیف بود. این معلم پله‌ها را به‌سختی بالا می‌آمد و در کلاس نفس کم می‌آورد و تعداد غیبت‌ها و حضورنداشتن او در مدرسه در مقایسه با معلم‌های دیگر بسیار زیاد بود. وظایف آموزشی و تربیتی این معلم را همکاران دیگر عهده‌دار می‌شدند و همین تغییر مداوم معلم ما را از نظر عاطفی و آموزشی دچار مشکل می‌کرد.»

فحاشی و بدزبانی

شماره ۱۲: «یکی از بدترین خاطرات من در کلاس هفتم رقم خورد. در آغاز کلاس، در حال وهوای خودمان و مشغول شیطنت و صحبت با هم بودیم که یک‌باره معلم با فریاد و فحاشی که نثار من کرد شخصیت مرا خرد کرد.»

شماره ۹: «معلمی داشتیم که خیلی زبان‌تندی داشت. وقتی خسته می‌شد هم این ویژگی او شدت بیشتری می‌گرفت. اگر به هر دلیلی مطابق میل و خواست او رفتار نمی‌کردیم، از کلمات و عبارات تند و نامناسب برای ما استفاده می‌کرد و همین رفتارها خیلی بر ما اثر بدی می‌گذاشت و حال ما را تا چند روز بد می‌کرد.»

نگاه مادی و پول‌دوستی

شماره ۴: «معلم شیمی ما آدم پول‌دوستی بود. از سروته درس‌ها می‌زد که فقط راجع به حقوق کم خود و ارزش پول برای ما حرف بزند و انگار در میان دغدغه‌های او آموزش درست شیمی به ما جزء اولویت‌های آخر بود. جالب اینکه بنگاه املاک هم داشت و به کار آزاد هم مشغول بود.»

۶. سلیس نبودن بیان

شماره ۶: «معلم کلاس سوم ما زبانش می‌گرفت و نمی‌توانست کلمات را درست بیان کند و به این حالت او بچه‌ها می‌خندیدند و کلاس به هم می‌ریخت.»

شماره ۴: «معلم ریاضی ما دوزبانه بود و توان انتقال مفاهیم را به شکل درست نداشت. همین مسئله ما را از ریاضی زده کرده بود، تا حدی که بچه‌ها مطالب را متوجه نمی‌شدند و غالباً فکر می‌کردند بی‌استعداد هستند و در انتخاب رشته اشتباه کرده‌اند. در حالی که در دوره پیش‌دانشگاهی همه متوجه شدند که ایراد از معلم بوده، نه آن‌ها؛ چرا که معلم پیش‌دانشگاهی عقب‌افتادگی بچه‌ها را جبران کرد.»

۷. خودنمایی و جلوه‌گری

شماره ۱۷: «یکی از معلم‌های دوران تحصیل متوسطه ما خانمی بود که به تازگی ازدواج کرده بود. این معلم از حنا و طلا و لباس‌های خاص استفاده می‌کرد. دائماً سر کلاس از این می‌گفت که ما مثلاً دیشب مهمانی بودیم برای همین الان خسته‌ام! یا اصرار بر این داشت که بگوید شوهرش جلوی مدرسه به دنبالش می‌آید و... ما هم به خاطر این رفتارهای سبک و زننده رابطه خوبی با او نداشتیم.»

۸. سوءاستفاده از اموال دانش‌آموزان

شماره ۲۰: «کلاس پنجم در روستا، یک معلم برای کل پایه‌ها داشتیم. اردیبهشت‌ماه بود که معلم گفت بچه‌ها باید پول روی هم بگذارید تا خوراکی و مواد غذایی بگیریم و با هم به اردو برویم. به هر سختی بود خانواده‌ها را راضی به این کار کردیم و پول نقد جمع‌شده برای تغذیه و ماشین و خوراکی را در اختیار معلم قرار دادیم. بعد از آن، تا آخر سال منتظر اردو ماندیم. در نهایت با تمام پیگیری‌ها نه اردویی برگزار شد، نه پول به ما برگشت داده شد.»

۹. آزار دادن دانش‌آموزان

شماره ۱: «یکی از معلم‌های من در دوران تحصیل به معنای واقعی کلمه از آزار دادن بچه‌ها لذت می‌برد. هرچقدر در کلاس این معلم تلاش می‌کردیم به نتیجه نمی‌رسیدیم و نمره واقعی خود را نمی‌گرفتیم. این معلم از دیدن عجز و گریه بچه‌ها لذت می‌برد.»

شماره ۱۷: «معلم متوسطه در درس تفکر و سبک زندگی، خانم... بدون دلیل منطقی به ما سخت می‌گرفت و ما را آزار می‌داد. این معلم حتی به بیرون بودن جوراب از کفش هم حساس بود و گویی آزار دادن بچه‌ها حالش را خوب می‌کرد و به او احساس قدرتمندی می‌داد.»

۲. بی‌توجهی به آداب تربیتی

مضمون اصلی دیگری که حاصل آمد بی‌توجهی به آداب تربیتی بود؛ بدان معنی که معلمان دقت نمی‌کردند با رفتار و عکس‌العمل‌های ناشایست خود چه اثرات نامطلوبی بر شاگردان می‌گذارند و شاگردان

را از خود دور و متنفر می‌سازند. این مضمون اصلی بالغ بر پانزده مضمون فرعی را دربر گرفت که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود.

عدم تغافل

شماره ۱۵: «اول راهنمایی بودم. معلم عربی شروع به پرسیدن سؤال کرد. تعداد کمی از بچه‌ها پاسخ معلم را دادند. ایشان بچه‌هایی که پاسخ نداده بودند را پای تابلو برد. من اولین بار بود که درس نخوانده بودم و معلممان را هم از هر نظر خیلی قبول داشتم. هرچقدر گریه کردم که به من فرصت جبران بدهد و این یک‌بار را از من بگذرد قبول نکرد. من بعد از نیم ساعت گریه و زاری و فشار عصبی با وساطت مدیر پشت نیمکت خودم برگشتم، اما این خاطره بد در ذهن من باقی ماند و این ماجرا آن معلم را پیش من شکست و او را از چشم من انداخت.»

شماره ۶: «کلاس هشتم بودم. همیشه در درس ریاضی نمرات خوبی می‌گرفتم. یک‌بار به یاد ندارم به چه دلیل از ریاضی نمره سیزده گرفتم و از فرط عصبانیت سر کلاس برگه خودم را پاره کردم. معلم ریاضی بدون توجه به سابقه خوب و درک‌نکردن شرایط روحی من، ضمن برخورد بدی که با من داشت، ماجرا را به خانواده من کشاند و باعث سرشکستگی من نزد آن‌ها شد.»

شماره ۱۰: «کلاس اول راهنمایی بودم، به درس علوم خیلی علاقه داشتم و همیشه داوطلبانه در بحث‌های کلاسی شرکت می‌کردم؛ آن قدر که معلم من را دانشمند کوچک صدا می‌زد. تا اینکه یک روز به‌خاطر فوت یکی از اقوام نتوانستم درس بخوانم و آن روز هم امتحان کتبی علوم داشتیم و نمره‌ام خیلی بد شد. از آن امتحان هفت‌ونیم گرفتم و معلم به‌خاطر این نمره جوری با من رفتار کرد که بین بچه‌ها غرور و دلم شکست و از آن روز به بعد من از آن معلم و آن درس بیزار شدم.»

درک‌نکردن شرایط دانش‌آموزان

شماره ۱۶ و ۱۱: «ابتدایی بودیم. یکی از هم‌کلاسی‌ها نیاز به دست‌شویی داشت، اما معلم به او اجازه خروج از کلاس را نداد و هم‌کلاسی ما خودش را کثیف کرد و بچه‌ها او را مسخره کردند و من هنوز این خاطره تلخ را به یاد دارم.»

شماره ۸: «شاگرد زرنگی بودم، همیشه پاسخ سؤالات را می‌دادم و در امتحانات نمرات خوبی می‌گرفتم. یک‌بار به‌خاطر مریضی نتوانستم تکلیف شب را انجام بدهم، به معلم هم شرایطم را گفتم. معلم در مواجهه با این مسئله با حالت بدی این ضرب‌المثل را گفت: «هرچه بگنند نمکش می‌زنند. وای به روزی که بگنند نمک!» این کلام و حرکت معلم خیلی من را به هم ریخت و باعث شد از او ناراحت و متنفر شوم.»

قضاوت نادرست

شماره ۷: «سر کلاس نهم یکی از بچه‌ها صدا درآورد، معلم بدون وقفه و براساس حدس یکی دیگر از بچه‌ها را تنبیه کرد!»

شماره ۹: «یکی از بدترین خاطرات دوران تحصیل من مربوط به درس پیام‌های آسمانی کلاس هشتم می‌شود. معلم این درس بدون اینکه حتی یک‌بار از من سؤال کلاسی بپرسد، نمره یازده را برای من وارد لیست کرده بود و اصرار داشت که این نمره من است. هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم روزی را که معلم داشت نمره‌ها را می‌خواند. حتی ضعیف‌ترین بچه‌ها بالای پانزده شده بودند و من یازده. همین باعث شد که من چند روز به مدرسه نروم و مادرم برای حل مسئله پیش‌قدم شد و مدرسه مرا از دولتی به غیرانتفاعی تغییر داد.»

واکنش‌های هیجانی و نسنجیده

شماره ۱۶: «کلاس اول ابتدایی وقتی در پاسخ به درخواست دوستم خواستم پاک‌کن به او بدهم، معلم بدون هیچ حرف و سؤال و تذکری موهای بافته‌ام را که از مقنعه بیرون آمده بود گرفت و کشید تا من سر جایم بنشینم.»

شماره ۷: «کلاس ششم، عادت داشتم سرم را روی میز بگذارم و به درس گوش بدهم. نمی‌دانم چه شد که معلم وقتی از کنارم رد می‌شد و فارسی را روخوانی می‌کرد، بدون هیچ تذکر و مقدمه‌ای، توی سرم زد و گفت سرت را روی میز نگذار! این عادت بدت را ترک کن! از این رفتار ناگهانی به گریه افتادم و تا مدت‌ها حتی دوست نداشتم در چشمان معلم نگاه کنم، چون هیچ خطایی نکرده بودم که شایسته این رفتار معلم باشم.»

تبعیض قائل شدن میان دانش‌آموزان

شماره ۲۰: «در مدرسه ما معلم‌ها بچه‌های روستا را مسخره می‌کردند و از خود می‌رانند، اما بچه‌های خانواده‌های ثروتمند برایشان عزیز بودند.»

شماره ۴: «یکی از خاطرات بدی که در ذهنم هست فرق گذاشتن بین دانش‌آموزان بود. هر معلمی با یکی دو نفر از بچه‌های کلاس گرم می‌گرفت و توجه بیشتری به آن‌ها داشت. معمولاً در مقطع دبستان به بچه‌هایی که خانواده مرفهی داشتند و در مقطع متوسطه بیشتر به دانش‌آموزانی که کلاس خصوصی با معلم‌ها داشتند توجه خاص می‌شد.»

شماره ۱۷: «در دوره متوسطه، مربی پرورشی ما فقط به تعداد مشخصی از بچه‌ها توجه داشت و در تمام کارها و فعالیت‌های فرهنگی و اجرایی مدرسه از آن‌ها دعوت به همکاری می‌کرد. تمام سیصد نفر مدرسه خلاصه در آن هشت و نه نفر شده بود. ما همیشه در گروه سرود در شورای دانش‌آموزی و خیلی از برنامه‌های دیگر فقط آن‌ها را می‌دیدیم و سوگلی خطابشان می‌کردیم.»

بدقولی کردن

شماره ۲۱: «برخی معلم‌ها سر قول و قرارشان با بچه‌ها نمی‌ماندند؛ مثلاً می‌گفتند هفته بعد جشن یا برنامه‌ای داریم، بعد یادشان می‌رفت یا جدی نمی‌گرفتند. همین کارها اعتماد ما را به گفته‌های معلم کم می‌کرد.»

شماره ۶: «یکی از بدترین خاطرات من مربوط به کلاس سوم می‌شود. در آن زمان معلم و مدیر به ما قول برگزاری جشن را دادند. حتی تا چند هفته با ما تمرین تئاتر کردند، اما چند روز مانده به برگزاری جشن، بدون هیچ توضیحی، کل برنامه را کنسل کردند و بعدها ما فهمیدیم که برخی مادرها به خاطر هزینه اعتراض کرده بودند و مسئولین مدرسه هم بهترین راه را در کنسل کردن برنامه دیده بودند.»

تناسب نداشتن تنبیه با خطا

شماره ۱۳: «اول راهنمایی بودم، دفتر ریاضی به مدرسه نیاورده بودم. به خاطر این یک مسئله کوچک معلم من را به دفتر فرستاد و شخصیت من را به خاطر فراموشی و یک اشتباه کوچک خرد کرد.»

تحقیر کردن

شماره ۲۰: «معلم کلاس پنجم ابتدایی در روستا بچه‌هایی که از نظر آموزش ضعیف بودند را بسیار تحقیر می‌کرد. کار به جایی کشید که حداقل پنج نفر از بچه‌ها با پایان دوران ابتدایی ترک تحصیل کردند.»
شماره ۳: «دوره راهنمایی از نظر درسی و فرهنگی زنگ و فعال بودم. فقط با درس زبان مشکل داشتم. یک بار امتحان زبان دادیم و معلم قرار بود نمرات را اعلام کند. من در آن ساعت کلاس نبودم و برای تمرین تئاتر از کلاس با اجازه معلم پرورشی بیرون رفته بودم. وسط تمرین، معلم زبان من را خواست. وقتی به کلاس رفتم گفت تو بی‌جا می‌کنی که سراغ تئاتر و گروه سرود می‌روی وقتی در درس ضعیفی! تو هیچی نیستی! هیچی نمی‌شوی! این حرف معلم برای سرخوردگی و ناامید شدن من از خودم تا سال‌ها کافی بود.»
شماره ۲: «دوره دبیرستان، سرپرست خوابگاهی داشتیم که مدرکش ادبیات بود. وقتی معلم ادبیات غیبت داشت اداره کلاس با او بود. این سرپرست از لحظه ورود به کلاس شروع می‌کرد به گفتن این حرف‌ها که شما روستایی هستید، شما هیچی نمی‌شوید! چون هوش ندارید! ضعیف هستید! پول ندارید که به کلاس آموزشی بروید! این حرکات و حرف‌های سرپرست منجر به این شد که خیلی از بچه‌ها ازدواج کنند و حتی در کنکور شرکت نکنند. تنها کسی که در آن دوره کنکور داد و در دانشگاه فرهنگیان قبول شد من بودم.»
شماره ۱۲: «کلاس اول، در نوشتن و خواندن مشکل داشتم. به خاطر همین مسئله معلم من را از بین دوستان جدا کرد و گفت چون تو ضعیف هستی، باعث می‌شوی بقیه هم از تو تأثیر بگیرند! معلم صندلی من را نزدیک در کلاس و دور از بچه‌ها گذاشت و هر روز به بچه‌ها می‌گفت که اگر شما هم درس نخوانید، مثل این باید آنجا بنشینید و هر روز من را تحقیر می‌کرد و این تجربه بدی از کلاس اولم بود.»

تجسس کردن

شماره ۳: «کلاس دوم راهنمایی بودیم. نیاز به دست‌شویی داشتم و به خاطر غرور نوجوانی نخواستیم اسم دست‌شویی را بیاورم. به معلم گفتم قرص دارم و باید به آبخوری بروم. وقتی برگشتم گفت قرص را نشان بده. چون قرصی همراه نداشتم، رو به بچه‌ها گفتم ببینید این دروغ گوست، مثل این نباشید. این خاطره بد برای همیشه در ذهن من از این معلم و رفتارش باقی ماند.»

شماره ۶: «یک‌بار که طبق معمول اول سال معلم ما را بلند کرده بود که خودمان را معرفی کنیم، وقتی از شغل پدرم پرسید و من گفتم، تا چند دقیقه من را سؤال پیچ می‌کرد که بابای تو همان است که لباس این جووری می‌پوشد، فلان جا مغازه دارد، فلان اخلاق را دارد و... این صحنه از پیش چشم هنوز هم نرفته، چون دوست نداشتم معلم شرایط من را توصیف کند و همه بدانند.»

نگاه از بالا به پایین و مغروران

شماره ۲۰: «بعضی از معلم‌ها نگاه از بالا به پایین به بچه‌ها و والدینشان خصوصاً در مناطق محروم دارند. من همیشه در روستا و پایین شهر تحصیل کرده‌ام و بارها شاهد این نوع نگاه‌ها و برخوردهای معلم‌ها بوده‌ام. وقتی مادر امثال من که ضعیف و بی‌سواد بودند به مدرسه می‌آمدند، برخی معلم‌ها عارشان می‌شد با آنان حرف بزنند... از این مسئله خصوصاً در دوره متوسطه بارها و بارها آزرده شدم و دائماً از مادرم می‌خواستم که دیگر به مدرسه نیاید و غرور خودش و من را نشکند.»

شماره ۲: «در شروع هر سال تحصیلی، از ما می‌خواستند که بلند شویم و خودمان را معرفی کنیم و میزان تحصیلات و شغل والدین را بلند بگوییم. در آخر سال هم اگر کسی به نمره اعتراض می‌کرد، می‌گفتند که تویی که مثلاً پدر و مادرت بی‌سواد هستند نمره بالا به چه دردت می‌خورد! برخی از معلم‌ها هم براساس همین اطلاعات به بچه‌ها نمره می‌دادند.»

کینه‌ورزی و انتقام‌جویی

شماره ۸: «یک‌بار جواب معلم زیستمان را دادم و به او اشکال گرفتم. او هم لج کرد و با انداختن من از این درس انتقام گرفت.»

شماره ۲۱: «کلاس دوم ابتدایی بودم. بچه‌ها برای روز معلم پول جمع کرده بودند. بعضی‌ها بیست هزار و بعضی‌ها چهل هزار داده بودند. معلم که لیست هدایای بچه‌ها را از نماینده اولیا گرفته بود به بچه‌هایی که پول کمتری داده بودند شیرینی نداد و با این کار خودش مثلاً خواست آن‌ها را تنبیه کند یا شاید هم انتقام بگیرد! این حرکت معلم هیچ‌وقت از ذهن من پاک نشد و باعث شد از او متنفر شوم.»

بی‌توجهی به شأن و جایگاه خود

شماره ۲: «در دوره دبیرستان، معلمی داشتیم که سیگار و مواد می‌کشید و بچه‌ها متوجه این مسئله شده بودند و همین مسئله شخصیت آن معلم را نزد بچه‌ها به شدت پایین آورده بود.»

شماره ۱۱: «معلم کلاس چهارم ما خود را هم پای بچه‌ها می‌کرد. حتی با بچه‌ها قهر می‌کرد. و الان که فکر می‌کنم می‌بینم با این رفتارهایش شأن خود و جایگاهش را حفظ نمی‌کرد.»

بی‌اعتنایی به وظیفه تربیتی

شماره ۱۹: «غالب معلم‌های ورزش ما در طول تحصیل با ما کاری نداشتند و فقط پایان ترم از ما امتحان می‌گرفتند. الان برای من سؤال است که چطور با وجدان خود کنار می‌آمدند و حقوق خود را حلال می‌دانستند.»

شماره ۷: «معلم فنون ادبی ما برگه امتحان بچه ها را تصحیح نمی کرد و مطابق ذهنیتی که داشت به بچه ها نمره می داد و می گفت من وقت خود را با برگه تصحیح کردن تلف نمی کنم، فعالیت شما در کلاس برای من مهم است»

شماره ۱۲: «معلم زیست ما اصرار داشت که بچه ها درس را ارائه بدهند و خودش فقط می نشست و در افکارش فرومی رفت. بعد همین معلمی که به خودش زحمت درس دادن نمی داد سوالات امتحانی در حد کنکور از ما می گرفت و کسی که نمره خوبی نمی آورد را از کلاس بیرون می کرد. این بدترین معلم دوران تحصیل من بود.»

● ملاک قرار دادن نمره برای دوست داشتن دانش آموزان

شماره ۱۳: «یکی از کارهای معلم که خیلی تأثیر بدی بر ما داشت این بود که نمره ملاک دوست داشتنشان بود! هرکس نمره بیشتری می گرفت محبوب بود و دیگران انگار وجود و حضور نداشتند.»

● ندیدن و کور کردن استعداد دانش آموزان

شماره ۱۴: «معلم کلاس پنجم، نمی دانم از چه کسی شنیده بود، ولی یک روز بعد از کلاس من را نصیحت کرد که به جای شعر و داستان نوشتن درس بخوانم! با نصیحتش درس خوان تر نشدم، اما دیگر هیچ وقت شعر و داستان ننوشتم. به آن روزها که فکر می کنم می بینم اگر به جای این کار معلم این استعداد من را می دید و شکوفا می کرد، امروز من شرایط بهتری داشتم.»

شماره ۶: «دانش آموز فعالی بودم و به کارهای اجرایی و فرهنگی و هنری علاقه داشتم. وقتی می خواستم برای شورای دانش آموزی ثبت نام کنم، معلم در جواب اشتیاق و تلاش من جلوی جمع رو به من گفت تو بری شورای دانش آموزی، شورا کجا برود تو اگر به درس هایت برسی هنر کرده ای! همین باعث شد که از این فعالیت ها تا مدت ها دوری کنم و تا چند سال گوشه گیر شوم.»

۳. ضعف های آموزشی و مهارتی

آخرین مضمون اصلی، که مورد تجمیع قرار گرفت، ضعف های آموزشی - مهارتی بود. بر پایه تجارب نومعلمان، برخی از معلمانشان از نظر آموزشی و مهارتی ضعیف بوده و با ناتوانی خود به ایشان آسیب وارد کرده بودند. این مضمون اصلی بالغ بر چهارده مضمون فرعی را دربر گرفته که در ادامه بدان ها پرداخته می شود.

● آشنابودن با دانش آموزان

شماره ۱۴: «یکی دیگر از چیزهایی که من برای معلمان بد و ضعف می دانم این است که بعد از گذشت چند ماه هنوز شاگردان خود را نمی شناسند و اسم آن ها را یاد نمی گیرند. بارها در دوره متوسطه برای من پیش آمد که در داخل و خارج از مدرسه به معلم سلام کردم و او مرا شناخت. من خودم اصرار دارم

هم سریع با بچه‌ها آشنا شوم و هم ویژگی‌های آن‌ها را بشناسم، چون اولین قدم در راه تربیت شناخت ویژگی‌های خاص بچه‌ها در کنار ویژگی‌های مشترکشان با بقیه است. چیزی که خیلی از معلم‌های ما به آن بی‌تفاوت بودند.»

شماره ۸: «من عادت و علاقه داشتم که از رنگ‌های مختلف و شاد در نقاشی‌هایم استفاده کنم، و همه چیز از جمله حیوانات را با رنگ دلخواه خودم رنگ می‌کردم. به یاد دارم که مربی پیش دبستانی بارها سر این مسئله مرا کتک زد و همین باعث شد که خاطره ناخوشایندی از آن دوران برای من رقم بخورد.»

تنبیه کردن

شماره ۱۹: «کلاس چهارم بودیم. مراسم صبحگاهی، یکی از معلم‌ها در حال سخنرانی بود که سروصدای یکی از بچه‌های کلاس دومی باعث ناراحتی او شد. معلم حرف‌هایش را نیمه‌تمام رها کرد و به میان صف و کنار شاگرد رفت و به او گفت باید جلوی صف بروی و انگشتت را روی زمین بگذاری و دور خودت روی زانو بچرخ! بچه گریه می‌کرد و عذاب می‌کشید و ما از این تنبیه ناراحت بودیم.»

شماره ۲۰: «توی روستا بودیم، معلم ابتدایی من یک‌بار با طناب به دنبال تنبیه یکی از هم‌کلاسی‌هایم بود که بی‌انضباطی کرده بود. طناب را بالا برد و به جای دست بچه روی چشم و صورت او فرود آورد و آسیب جدی به چشم هم‌کلاسی من وارد شد و من بعد از این ماجرا دچار ترس و اضطراب شدید شدم و دیگر هیچ‌وقت نتوانستم رابطه خوبی با آن معلم داشته باشم و همیشه از او می‌ترسیدم.»

شماره ۵: «معلم کلاس چهارم ما در برابر ضعف آموزشی بچه‌ها خودکار بین انگشت دست آن‌ها می‌گذاشت و فشار می‌داد یا پای بچه‌ها را با طناب می‌بست و با خط‌کش آن‌ها را تنبیه می‌کرد. آن‌قدر این تنبیه‌های بدنی تکرار شد که بچه‌ها از ترس خودشان را سر کلاس معلم خیس می‌کردند. همین معلم یک‌بار دخترش را که شاگردش بود جوری تنبیه کرد که از گوش دخترش خون بیرون زد.»

بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی

شماره ۱۴: «تقریباً تمام معلم‌ها توجهی به تفاوت‌های فردی ما نداشتند و انتظارشان از همه بچه‌ها یکسان بود؛ مثلاً در دبستان درس فارسی و ریاضی را ملاک می‌گرفتند و هرکسی در این دو درس موفق عمل می‌کرد سوگلی معلم می‌شد و اگر بقیه نمی‌توانستند خود را به برترین‌های کلاس برسانند، تنبیه و تحقیر می‌شدند. درحالی‌که ریاضی من ضعیف بود، اما در هنر و علوم جلوتر از بقیه بچه‌ها بودم، اما کمتر به چشم معلم‌ها می‌آدم و بیشتر در معرض تنبیه بودم تا تشویق.»

تناسب نداشتن محتوای درسی با توانمندی‌های دانش‌آموز

شماره ۵: «مدرسه تیزهوشان بودیم، معلم‌ها مطالب سختی را به ما می‌گفتند و امتحان‌های سنگینی از ما می‌گرفتند و جریمه‌های سختی نیز برای ما تعیین می‌کردند. یک‌بار بخشی از عربی را یاد نگرفتم و نخواندم و به تنبیه معلم عربی هم بی‌اعتنایی کردم و کاری را که از من خواسته بود انجام ندادم. این معلم،

در واکنش به کار من، با قیچی موهایم را کوتاه کرد. همین مشکل را نه فقط من، بلکه بقیه بچه‌ها هم داشتند. معلم‌ها و مدیر برجسب تیزهوشان به ما زده بودند و انتظار داشتند در حد یک دانشجوی دانشگاه تهران مطالب را بفهمیم و سریع یاد بگیریم و باز خورد بدهیم.»

ارزشیابی نادرست

شماره ۵: «چیزی که از دوران دانش‌آموزی آزارم می‌داد این بود که برخی معلم‌ها برگه‌های امتحانی را به خانه می‌بردند و هیچ وقت تصحیح نمی‌کردند و باز خورد نمی‌دادند.»
شماره ۱۹: «یکی از خاطرات بد من مربوط به درس شیمی بود؛ به خاطر معلمی که داشتیم، این آقا تکالیفی که به ما می‌دادند و سؤالاتی که برای امتحان طرح می‌کردند در حد المپیاد و دانشگاه بود. ما قطعاً با تدریس ضعیف که این معلم سر کلاس داشت نمی‌توانستیم به آن‌ها جواب دهیم. بعد ایشان در برابر نمره‌های پایین مدام به ما می‌گفت شما خنگید و هیچی نمی‌شوید!»

به کار نرفتن روش‌های متنوع

شماره ۱: «برای برخی از معلم‌های ما هیچ فرقی نمی‌کرد که چه درسی را می‌دهند و چه محتوایی را تدریس می‌کنند. برای این دسته از معلمان تنها ابزار کلام و سخنشان بود و از هیچ ابزار و روش دیگری استفاده نمی‌کردند. معلم ما در روستا چند پایه همراه ما بود. به یاد ندارم ایشان از روش‌های معمول و متداول آموزش نیز برای ما بهره ببرد. کلاس او در آموزش پای تخته، روخوانی و تنبیه خلاصه می‌شد.»

دادن تکالیف زیاد

شماره ۱۳: «معلم پایه دوم ما تکالیف درسی زیادی به ما می‌داد. برای عید به ما گفته بود از یک تا هزار با عدد و حروف بنویسیم، که این خیلی آزاردهنده و زیاد بود. من باز یگوشی کردم و در تمام این مدت فقط رسیدم یک بخشی را انجام بدهم. زنگ آخر بعد از تعطیلات وقت بررسی مشق‌ها رسید. من به دروغ گفتم که درس‌ها را نوشته‌ام، اما در خانه مانده. گفت باید بری بیاوری! آن روز از ترس سگ‌های کوچ و دروغی که گفته بودم استرس زیادی کشیدم تا به خانه رسیدم. در عالم کودکی خودم نمی‌دانم چه فکری می‌کردم که دفتر خالی را از اتاق برداشتم و با خودم به مدرسه بردم! اما زنگ خورده بود و فقط اضطراب این مسئله با من ماند به حدی که همان شب به شدت بیمار شدم و دل درد گرفتم.»

اجاز ندادن به دانش‌آموزان برای سؤال کردن

شماره ۲۰: «کلاس دهم، معلم ریاضی داشتیم که از زمان ورود به کلاس شروع می‌کرد به کنایه زدن و خرد کردن شخصیت بچه‌ها. این معلم اجازه سؤال کردن هم به ما نمی‌داد و ما از ترس فقط گفته‌هایش را تأیید می‌کردیم و ادعا می‌کردیم که مطالب را یاد گرفته‌ایم در حالی که این‌طور نبود و ما پر از سؤال و ابهام بودیم.»

ایجاد رقابت کاذب در کلاس

شماره ۸: «بیشتر معلم‌ها فکر می‌کردند با ایجاد رقابت بین بچه‌ها باعث رشد و تقویت آن‌ها می‌شوند. در حالی که این باعث می‌شد تفاوت‌های ما را نبینند و بیشتر از ظرفیت و توان از ما انتظار داشته باشند و باعث دشمنی و کینه در بین بچه‌های کلاس شوند. ما از همان کودکی یاد گرفتیم که فقط برای خودمان بجنگیم و کار گروهی و ظرفیت بقیه را نادیده بگیریم. این قدر تعداد معلم‌هایی که این کار را می‌کردند زیاد بود که نمی‌توانم به تفکیک بگویم، اما به‌طور مثال معلم زبان دوره متوسطه اول و معلم کلاس چهارم ما این شیوه را داشتند.»

برگزاری کلاس به شیوه‌ای خشک و نامنعطف

شماره ۸: «کلاس بعضی از معلم‌ها خیلی خشک و سرشار از مقررات اضافی و آزاردهنده بود؛ مثلاً معلم کلاس پنجم ما، بدون توجه به سن کمی که داشتیم، هر وقت آهسته می‌خندیدیم یا یک کلمه حرف می‌زدیم، ما را تنبیه می‌کرد. معلم علوممان هم دقیقاً همین‌طور بود: برابر کوچک‌ترین حرکت و تحرک بچه‌ها به شدت واکنش نشان می‌داد و در کلاسش هیچ‌وقت تنوع و آزادی و آرامشی نبود.»

کم‌سوادی

شماره ۹: «معلم کلاس سوم ما بعدها فهمیدیم که از جذب‌شده‌های نهضت سوادآموزی بود. ایشان اصلاً نمی‌توانست ریاضی را به ما درس بدهد. به‌خاطر ضعف ایشان من تا سال‌ها در ریاضی مشکل داشتم.»
شماره ۲: «معلم زبان کلاس دوم و سوم راهنمایی ما خانم تازه‌استخدام شده‌ای بود که از تدریس و نوع تعامل با بچه‌ها به یقین می‌گویم هیچ چیز نمی‌دانست. تمام دو سال تحصیل را ما فقط به یادگیری حروف الفبا و برخی کلمات انگلیسی گذرانیدیم. هر جلسه به ما یک یا دو حرف یاد می‌داد و ما را تا آخر کلاس مجبور به رونویسی می‌کرد.»

بی‌اطلاعی از امور اجتماعی و سیاسی و تاریخی

شماره ۹: «معلم تاریخ ما فقط یک سری مطالب را حفظ کرده بود و سر کلاس آن‌ها را تکرار می‌کرد. ایشان از مسائل سیاسی و فرهنگی و تاریخ معاصر هیچ چیز نمی‌دانست. من هم که در خانواده‌ای اهل مطالعه بزرگ شده بودم و عاشق تاریخ و مسائل اجتماعی بودم، دائماً سؤال می‌پرسیدم و معلم نمی‌توانست پاسخ من را بدهد. نه جریان‌های سیاسی را می‌شناخت، نه از وقایع چند سال گذشته ایران و جهان خبر داشت و نه می‌توانست مسائل را تحلیل کند.»

بی‌اعتنایی به برخی دروس

شماره ۱۲: «معلم کلاس ششم ما تمام تایم ورزش را می‌گرفت و به ما ریاضی درس می‌داد. حسرت این کلاس‌ها در آن سال همیشه با ما بود. وقتی بچه‌ها را می‌دیدیم که در حیات ورزش می‌کنند به شدت از معلم خودمان عصبانی می‌شدیم و حتی در برابر یادگیری ریاضی مقاومت می‌کردیم.»

دستپاچه کردن دانش آموزان

شماره ۱۵: «دوره راهنمایی معلم زبانی داشتیم که برای پرسش و پاسخ بچه‌ها را پای تخته می‌آورد و از آنجا می‌پرسید. من همیشه برای پاسخ‌گویی آماده بودم، اما همین که پای تخته می‌رفتم همه چیز از خاطر می‌رفت و نمی‌توانستم پاسخ بدهم. این مسئله بارها و بارها تکرار شد و این معلم هیچ‌وقت از خود نپرسید که چرا این شاگرد در امتحان کتبی نمره‌های خوبی می‌آورد اما در شفاهی ضعیف است.» آنچه تا بدین جا بیان شد مجموعه‌ای از تجارب نومعلمان از ویژگی‌های منفی معلمانشان در طول تحصیل بود که در قالب مضامین فرعی و اصلی گرد آمده بود. تجمیع‌شده این مضامین در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. مضامین اصلی و فرعی

مضامین اصلی	مضامین فرعی
ضعف‌های شخصیتی و اخلاقی	۱ بی‌نظمی و وقت‌نشناسی
	۲ ناآراستگی
	۳ خمودگی و ناشادابی
	۴ بی‌دقتی و نداشتن تمرکز
	۵ فراموش کاری و ضعف حافظه
	۶ ضعف جسمانی
	۷ سلیس نبودن بیان
	۸ سوءاستفاده از اموال دانش‌آموزان
	۹ آزار دادن دانش‌آموزان
	۱۰ فحاشی و بدزبانی
ضعف‌های آموزشی و مهارتی	۱۱ نگاه مادی و پول‌دوستی
	۱۲ بداخلاقی و تندخویی
	۱۳ خودنمایی و جلوه‌گری
ضعف‌های آموزشی و مهارتی	۱ آشنابودن با دانش‌آموزان
	۲ تنبیه کردن
	۳ بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی
	۴ تناسب‌نداشتن محتوای درسی با توانمندی‌های دانش‌آموز

جدول ۳. (ادامه)

مضامین اصلی	مضامین فرعی	
ضعف‌های آموزشی و مهارتی	۵ ارزشیابی نادرست	
	۶ به‌کارنگرفتن روش‌های متنوع	
	۷ دادن تکالیف زیاد	
	۸ دست‌چاپه کردن دانش‌آموزان	
	۹ اجازه‌ندادن به دانش‌آموزان برای سؤال کردن	
	۱۰ ایجاد رقابت کاذب در کلاس	
	۱۱ برگزاری کلاس به‌شیوه‌ای خشک و نامتعطف	
	۱۲ کم‌سوادی	
	۱۳ بی‌اطلاعی از امور اجتماعی و سیاسی و تاریخی	
	۱۴ بی‌اعتنایی به برخی دروس	
	بی‌توجهی به آداب تربیتی	۱ عدم تغافل
		۲ قضاوت نادرست
		۳ واکنش‌های هیجانی و نسنجیده
		۴ تبعیض قائل شدن میان دانش‌آموزان
۵ بدقولی کردن		
۶ تناسب‌نداشتن تنبیه با خطا		
۷ تحقیرکردن		
۸ تجسس کردن		
۹ نگاه از بالا به پایین و مغرورانه		
۱۰ بی‌توجهی به شأن و جایگاه خود		
۱۱ کینه‌ورزی و انتقام‌جویی		
۱۲ بی‌اعتنایی به وظیفه تربیتی		
۱۳ ملاک قراردادن نمره برای دوست‌داشتن دانش‌آموزان		
۱۴ درک‌نکردن شرایط دانش‌آموزان		
۱۵ ندیدن و کور کردن استعداد دانش‌آموزان		

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

هدف از پژوهش حاضر یافتن پاسخ این سؤال بود: نومعلمان چه تجاربی از ویژگی‌های نامطلوب معلمان خود داشتند و کدام رفتارها و خصوصیات منجر به آسیب و خاطرات ناخوشایند در نومعلمان شده بود؟ به همین منظور با نومعلمانی مصاحبه شد که در دوران تحصیل تجارب تلخی از معلمانشان داشتند و آثار این خاطرات ناخوشایند پس از سال‌ها همچنان در حافظه و وجود ایشان باقی بود.

بعد از یادداشت‌برداری و ثبت و تجزیه و تحلیل یافته‌ها، اولین مضمون اصلی که حاصل آمد ضعف‌های شخصیتی و اخلاقی بود که این مضمون شامل سیزده مضمون فرعی می‌شد: بی‌نظمی و وقت‌نشناسی، ناآراستگی، خمودگی و ناشادابی، بی‌دقتی و نداشتن تمرکز، فراموش کاری و ضعف حافظه، ضعف جسمانی، سلیس نبودن بیان، سوءاستفاده از اموال دانش‌آموزان، آزار دادن دانش‌آموزان، فحاشی و بدزبانی، نگاه مادی و پول‌دوستی، بداخلاقی و تندخویی، خودنمایی و جلوه‌گری. مضمون کلی دیگر، ضعف‌های آموزشی و مهارتی است. این مضمون کلی نیز چهارده مضمون جزئی‌تر را دربر گرفت که شامل این موارد است: آشنانبودن با دانش‌آموزان، تنبیه کردن، بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی، تناسب‌نداشتن محتوای درسی با توانمندی‌های دانش‌آموز، ارزشیابی نادرست، به‌کارنگرفتن روش‌های متنوع، دادن تکالیف زیاد، دستپاچه کردن دانش‌آموزان، اجازه‌ندادن به دانش‌آموزان برای سؤال کردن، ایجاد رقابت کاذب در کلاس، برگزاری کلاس به شیوه‌ای خشک و نامنعطف، کم‌سوادی، بی‌اطلاعی از امور اجتماعی و سیاسی و تاریخی، بی‌اعتنایی به برخی دروس. بی‌توجهی به آداب تربیتی آخرین مضمون اصلی حاصل‌شده است که با پانزده مضمون فرعی همراه شده. این مضامین عبارت‌اند از: عدم‌تغافل، قضاوت نادرست، واکنش‌های هیجانی و نسنجیده، تبعیض قائل‌شدن میان دانش‌آموزان، بدقولی کردن، تناسب‌نداشتن تنبیه با خطا، تحقیر کردن، تجسس کردن، نگاه‌ازبالابه‌پایین و مغرورانه، کینه‌ورزی و انتقام‌جویی، بی‌اعتنایی به وظیفه تربیتی، ملاک قراردادن نمره برای دوست‌داشتن دانش‌آموزان، درک‌نکردن شرایط دانش‌آموزان، ندیدن و کور کردن استعداد دانش‌آموزان، بی‌توجهی به شأن و جایگاه خود.

با مقایسه نتایج حاصل‌شده از این پژوهش با تحقیقات پیشین می‌توان چنین گفت: عبدی زرین و علیاری (۱۳۹۹) و ثویت و مک کراسکی (۱۹۹۸) در دو پژوهش جداگانه تأثیر بدرفتاری را بر اعتبار معلم بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که بدرفتاری معلم بر درک دانش‌آموزان از اعتبار معلمانشان در ابعاد شایستگی علمی،

اعتماد‌پذیری و مراقبت بسیار تأثیرگذار است و بدرفتاری معلم اعتبار درک‌شده را بسیار کاهش می‌دهد. در همین راستا بانفیلد و همکارانش (۲۰۰۶) نیز تأثیر سوء رفتارهای معلم بر اعتبار و جایگاه خود و نیز عاطفه و علاقه دانش‌آموز به معلم را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که رفتار بد معلم اعتبار و نیز علاقه دانش‌آموزان به او را کاهش می‌دهد. نتایج پژوهش بروکلمن‌پست و همکارانش (۲۰۱۶) نیز نشان دادند که بدرفتاری معلم بر علاقه و مشارکت دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد.

نتایج پژوهش‌های فوق به‌نوعی در پژوهش حاضر نیز به تأیید رسید و مشخص شد افرادی که روزی با بدرفتاری معلمانشان روبه‌رو بوده‌اند پس از گذشت سال‌ها همچنان حس خوبی به این معلمان ندارند و حتی برخی با تنفر از این افراد یاد می‌کنند. بنابراین با قطعیت می‌توان گفت که بدرفتاری‌ها و ویژگی‌های بد در علاقه شاگردان به معلم و کلاس و درس تأثیر می‌گذارند. نتایج پژوهش سوپلیچ (۲۰۰۹) نشان داد که معلمان بد در عناصر وابسته به شخصیت خود کمبود دارند؛ یعنی در ویژگی‌های شخصیتی، پذیرش عاطفی، شوخ‌طبعی، البته انتقاداتی به کاستی‌های آموزشی معلمان و ناآگاهی از موضوع نیز وجود داشت، اما به‌وضوح کمتر از انتقادات درباره نقص‌های وابسته به شخصیت بود. در مطالعه پیش‌رو نیز همین نتایج حاصل آمد و مشخص شد برخی از معلمان ضعف‌های شخصیتی، آموزشی و مهارتی دارند؛ یعنی بداخلاق و تندخو هستند، سست و خموده‌اند، کلاس‌های یکنواخت برگزار می‌کنند، ضعف در سواد و علم دارند و...

راوفیلدر و همکارانش (۲۰۱۶) نیز به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان ابعاد بین فردی معلمان را بر توانایی‌های آموزشی آن‌ها در تعاملات روزمره کلاس اولویت می‌دهند. این مهم نیز به‌نوعی در پژوهش حاضر تأیید شد. در مطالعه پاول و پارکر (۲۰۱۷) ویژگی‌های معلمان ناموفق را ناآشنایی با شاگردان و مراقبت‌نکردن و حمایت‌نکردن از ایشان، روش‌های تدریس نامنعطف و استناداردهای متناقض دانستند که، به‌جز مورد آخر، تمام این ویژگی‌ها در پژوهش حاضر نیز اشاره شد.

نتیجه مصاحبه‌ها این بود که نومعلمانی که خود دوران تحصیل را پشت‌سر گذاشته و در مسند معلمان سابق خود تکیه زده‌اند همچنان نتوانسته‌اند تأثیرات و خاطرات ناخوشایند سالیان دور و روزهای دوران تحصیل خود را به فراموشی بسپارند. آن‌ها خاطرات بد خود را با ذکر دقیق پایه تحصیلی و شرایط و جزئیات از اعماق ذهن خود بازبایی می‌کنند و برای برخی از این یادآوری‌ها آزرده می‌شوند. پژوهش حاضر، به‌نوعی دیگر بُرد و شعاع و عمق نفوذ معلم بر شاگردان را به نمایش گذاشت و

نشان داد که یک معلم به همان اندازه که می‌تواند بال خود را در مسیر رشد و تعالی شاگرد بگسترد و گام برداشتن او را در این مسیر سهل سازد، معلمی دیگر با کاستی‌ها و ضعف‌های شخصیتی و مهارتی و بی‌توجهی به آداب تربیتی می‌تواند به‌مثابه مانع و سدی در این راه عمل کند.

پس از آنجا که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، که چراغ راه مسیر تحول است، مسئله جذب و تربیت و نگاه‌داشت معلمان و ویژگی‌های ایشان از موارد مهم به‌شمار رفته، در این مسیر می‌توان نظری به خصوصیات نامطلوب نیز داشت. در این سند مشخصاً بر «ایجاد سازوکارهای لازم برای جذب و نگاه‌داشت و برخورداری معلمان از صلاحیت‌های دینی، اخلاقی، انقلابی و شخصیتی، و همین‌طور ایجاد نظام ارزیابی صلاحیت معلمان شامل شایستگی‌های اخلاقی، اعتقادی، انقلابی، حرفه‌ای و تخصصی، و استقرار سازوکارهای ارتقای توانمندی‌های معلمان برای مشارکت مؤثر آنان در سطح مدرسه، به‌ویژه سازوکارهایی که به تقویت هویت حرفه‌ای آنان می‌انجامد» تأکید شده است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). می‌توان براساس سند پیش‌گفته و نتایج پژوهش حاضر از سیاست‌گذاران و مسئولان مطالبه کرد که با سختگیری زیاد از ورود افرادی که ضعف‌های شخصیتی و اخلاقی دارند به ریل تعلیم و تربیت جلوگیری کنند، در ارتقا و جایگزینی معلمان نظری خاص به ویژگی‌های بد داشته باشند و فقط معیارهای کمی را ملاک و معیار قضاوت قرار ندهند، و در نهایت اینکه دوره‌های ضمن خدمت و مهارت‌آموزی را با نظر به ضعف‌های شخصیتی و مهارتی و علمی معلمان برگزار کنند و از این بس‌تر نهایت بهره را ببرند. در کنار مسئولان و سیاست‌گذاران، باید مطالبه عمومی از معلمان نیز افزون شود تا ایشان بیشتر متوجه جایگاه خود و تأثیراتشان بر وجود و آینده شاگردان باشند و پیوسته در مسیر خودسازی و اصلاح گام زنند تا در نهایت به‌واسطه خودسازی دیگرسازی نیز میسر و محقق شود و متریبان زیر نظر و سایه معلمان، به‌درستی نشوونما یابند تا توفیق نظاره افق انسان‌سازی قرین راه معلمان شود. به قول صائب، این سخن‌سرای پارسی‌گوی: «راست شو صائب نخواهی کج اگر آثار خویش / سایه افتد بر زمین کج، چون بود دیوار کج» (صائب تبریزی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۱۱۱۰).

منابع REFERENCES

- باقرپور، معصومه. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش ذهنیت فلسفی بر نگرش دینی و مهارت‌های زندگی معلمان. *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳(۲)، ۲۸-۷.
- داوودی، محمد. (۱۳۹۵). نقش معلم در تربیت دینی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). *سند راهبردی تحول نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*. وزارت آموزش و پرورش.
- رحمانی زاهد، فهیمه، هاشمی، زهرا، و نقش، زهرا. (۱۳۹۷). مدل‌یابی علی‌خلاقیت: نقش سبک‌های تعامل معلم-دانش‌آموز و نیازهای بنیادی روان‌شناختی. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۴(۱)، ۵۴-۳۱.
- رضایی، مهدی. (۱۳۹۳). نقد جایگاه و نقش معلم در اندیشه‌ی تربیتی پست‌مدرنیسم. *مطالعات تحول در علوم انسانی*، ۲(۳)، ۴۷-۷۴.
- سعادت، طاهره، مداح، طاهره، محمدی، زهرا، و معتمدی، آرزو. (۱۴۰۱). تأثیر بازخوردهای معلم بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهرستان ساری. *مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، ۴(۴۳)، ۲۰۵-۲۲۰.
- سعدی، صلح بن عبدالله. (۱۳۹۴). *گلستان سعدی*. مرسل.
- سیستانی‌الله‌آبادی، محبوبه، البرزی، محبوبه، و خوشبخت، فریبا. (۱۳۹۹). رابطه بین متغیرهای هوش معنوی والدین و معلمان و شادکامی دانش‌آموزان دوره ابتدایی؛ نقش واسطه‌گری بهزیستی معنوی دانش‌آموزان. *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۵(۱)، ۶۰-۳۵.
- شفیع‌ی، صابر، خیرایی، حسین، و بشیری، فریبا. (۱۳۹۹). تأثیر ارتباط معلم با دانش‌آموزان در کمرویی دانش‌آموزان ابتدایی. *دستاورد‌های نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۳(۲۹)، ۱۱۸-۱۲۷.
- صائب تبریزی. (۱۳۷۱). *دیوان صائب (جلد ۲)*. انتشارات علمی و فرهنگی.
- عباس‌زاده، محمد. (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۱۳(۱)، ۱۹-۳۴.
- عبدی زین، سهراب، و علیاری، صابر. (۱۳۹۹). تأثیر صمیمیت و بدرفتاری معلم در اعتبار معلم. *راهبردهای نوین در تربیت معلم*، ۶(۱۰)، ۳۳-۶۱.
- فقیهی، علی‌نقی. (۱۳۹۴). *تربیت جنسی: مبانی، اصول، روش‌ها از منظر قرآن و حدیث*. دارالحدیث.
- قدم‌پور، عزت‌اله، عباسی، محمد، عالی‌پور، کبری، و ملکی، محبوبه. (۱۳۹۹). تأثیر آموزش قدردانی بر رفتار اجتماعی انتظاری و روابط معلم - شاگرد در دانش‌آموزان. *روانشناسی مثبت*، ۶(۳۲)، ۶۵-۷۸.
- قلی‌پور، مرضیه، عالی، آمنه، و عسگری، محمد. (۱۴۰۱). رابطه راهبردهای انضباطی معلمان با عاطفه دانش‌آموزان دختر ابتدایی نسبت به معلم و نگرش آن‌ها به یادگیری. *مطالعات آموزش و یادگیری*، ۱۴(۱)، ۱۱۶-۱۲۸.
- کریمی، بهروز، و فتحی آذر، اسکندر. (۱۳۸۵). تأثیر برخورد مناسب معلم بر سبک‌های مقابله‌ای بدرفتاری و ضداقتدار دانش‌آموزان مقطع ابتدایی. *دانشور*، ۱۳(۱۸)، ۲۱-۳۲.
- موسوی‌نیا، فاطمه، و حیدری، حجت (۱۳۹۱). بررسی نقش و جایگاه معلم به‌عنوان برجسته‌ترین الگوی اخلاقی در آموزش از منظر اسلام. *اخلاق و تاریخ پزشکی*، ۵(۹)، ۱۰۴-۱۱۵.
- یحیایی نرگس، معتمد، حمیدرضا، و قاسمی‌زاد، علیرضا. (۱۴۰۱). طراحی و تدوین الگوی تربیت معلم کارآمد تراز جمهوری اسلامی با تأکید بر اسناد بالادستی. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳۰(۵۴)، ۲۷۹-۳۰۱.

■ Allen, J. L., Bird, E., & Chhoa, C. Y. (2018). Bad boys and mean girls: Callous-unemotional traits, management of disruptive behavior in school, the teacher-student relationship and academic motivation. In *Frontiers in Education* (Vol. 3, p. 108). Frontiers Media SA.

■ Banfield, S. R., Richmond, V. P., & McCroskey, J. C. (2006). The effect of teacher misbehaviors on teacher credibility and affect for the teacher. *Communication Education*, 55(1), 63-72.

- Broeckelman-Post, M. A., Tacconelli, A., Guzmán, J., Rios, M., Calero, B., & Latif, F. (2016). Teacher misbehavior and its effects on student interest and engagement. *Communication Education*, 65(2), 204-212.
- Hughes, J. N., Luo, W., Kwok, O. M., & Loyd, L. K. (2008). Teacher-student support, effortful engagement, and achievement: A 3-year longitudinal study. *Journal of educational psychology*, 100(1), 1-19.
- Karakus, M., Ersozlu, A., Demir, S., Usak, M., & Wildy, H. (2019). A model of attitudinal outcomes of teachers' psychological capital. *Psihologija*, 52(4), 363-378.
- Liou, Y. H., & Canrinus, E. T. (2020). A capital framework for professional learning and practice. *International Journal of Educational Research*, 100, 101- 115.
- Pekrun, R., Cusack, A., Murayama, K., Elliot, A. J., & Thomas, K. (2014). The power of anticipated feedback: Effects on students' achievement goals and achievement emotions. *Learning and Instruction*, 29, 115-124.
- Powell, S. R., & Parker, E. C. (2017). Preservice music teachers' descriptions of successful and unsuccessful teachers. *Journal of Music Teacher Education*, 26(3), 27-37.
- Raufelder, D., Nitsche, L., Breitmeyer, S., Keßler, S., Herrmann, E., & Regner, N. (2016). Students' perception of "good" and "bad" teachers—Results of a qualitative thematic analysis with German adolescents. *International journal of educational research*, 75, 31-44.
- Riley, P. (2009). An adult attachment perspective on the student-teacher relationship & classroom management difficulties. *Teaching and teacher education*, 25(5), 626-635.
- Rosenfeld, L. B., Richman, J. M., & Bowen, G. L. (2000). Social support networks and school outcomes: The centrality of the teacher. *Child and adolescent social work journal*, 17, 205-226.
- Suplicz, S. (2009). What makes a teacher bad? Trait and learnt factors of teachers' competencies. *Acta Polytechnica Hungarica*, 6(3), 125-138.
- Sutton, R. E., & Wheatley, K. F. (2003). Teachers' emotions and teaching: A review of the literature and directions for future research. *Educational psychology review*, 15, 327-358.
- Thweatt, K. S., & McCroskey, J. C. (1998). The impact of teacher immediacy and misbehaviors on teacher credibility. *Communication Education*, 47(4), 348-358.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

1. Sutton & Wheatley
2. Rosenfeld
3. Hughes
4. Liou & Canrinus
5. Karakus

6. Allen
7. Riley
8. Broeckelman-Post
9. Banfield
10. Pekrun

11. Thweatt & McCroskey
12. Suplicz
13. Raufelder
14. Powell & Parke